

# هنگامه‌ها در رفع نقیصه‌ها

## سی و پنجمین هنگامه

### قسمت اول

امیرفیض- حقوقدان

در دوشنبه سیزدهم مرداد سال ۱۳۶۵ اتفاقی که تصورش هم بعید بود با اطلاعیه دبیرخانه اعلیحضرت به تصدی آقای محمود فروغی وقوعش اعلام گردید و آن این بود که:



### اطلاعیه

«روز دوشنبه سیزدهم مرداد ماه ۱۳۶۵ در جلسه ای که در پاریس در حضور شهیرایران و باشکرت آقایان دکتر علی امینی و دکتر شاپور بختیار تشکیل شد مسائل مهم مبارزات نیروهای ملی در داخل و خارج ایران برای برانداختن حکومت غاصب فعلی و برقراری حاکمیت ملی و سلطنت مشروطه مورد بررسی قرار گرفت.

به پیشنهاد آقایان دکتر امینی و دکتر شاپور بختیار و با تائید شهیرایران قرار شد برای هماهنگ کردن این مبارزات و مشورت در امور مربوطه شورائی بوجود آید که اعضای اولیه آن آقایان نامبرده هستند و سایر اعضای شورای مشاوره شهیرایران حداکثر تا ۵ نفر بر مبنای صلاحیت و توانائی در پیشبرد مبارزه در راه آزادی، انتخاب و دعوت خواهند شد. دبیرخانه شهیرایران ۲۰ مرداد ۱۳۶۵»



دست‌آورد اطلاعیه دبیرخانه در باب شورای مشاورین و واکنش بختیار و امینی و انگیزه از این طرح و توطئه، موضوع این تحقیق است.



دود او ظاهر شود پایان کار

آتشش پنهان و ذوقش آشکار

حکیم مولوی با سرودن بیت بالا خواسته است گفته باشد که، خیلی چیزها ظاهرش مطلوب و مورد انتظار و باطنش مذموم و پرزنانزجار، و فلاکت و سیه روزی آن در پایان کار هویدا می‌گردد.

افلاطون هم سخنی مشابه دارد که بیشتر به درد این تحریر می‌خورد، او گفته است:

«اگر انسان کسی راجزیه عمد بکشد آن گناه کوچکتر از آن است که او را با چستار نیکوئی و انتظارات و خواست‌های قانونی فریب دهد»

از آنجا که سلطنت طلبان معتقد و قدری هم‌سنگر از همان آغاز سوگند سلطنت اعلیحضرت، خواستار تمکین اعلیحضرت به متمم قانون اساسی و رهبری مبارزه در شان و موقعیت حقوقی دولت موقت بودند و این مهم قانونی به کرات و به هر مناسبتی حتی در حد تعیین فرماندار مبارزه و یاشورائی که بر مجموعه مبارزه ایرانیان داخل و خارج زیر نظر اعلیحضرت و در حیطه مسئولیت قراردادی باشد تجدید استدعا می‌گردید که متاسفانه، در توجه اجرائی اعلیحضرت قرار نمی‌گرفت، لذا:

انتشار اطلاعیه مزبور، ذوق فوق العاده توام با امید در سلطنت طلبان بوجود آورد که سنگرم در شماره اول بهمن ماه (۱۳۶۵) آن ذوق و دلشادی رابازگو کرد و نوشت >..... اگر این شورا درست عمل کند میتواند نقش دولت موقت را در محدوده مبارزه بدست آورد<

تنها نگرانی سنگر که در همان سنگرو سنگرهای پیوست آن ابراز شده وابستگی آقای امینی به بیگانه > اظهار علی امینی به سفارت آمریکا که ایرانیان مرا تحت الحمایه آمریکا میدانند< و همبستگی سیاسی و نظامی شاپور بختیار با دولت عراق در حال جنگ با ایران و نیز مخالفت آقایان مزبور با اساس سلطنت بود ولی از آنجا که شورای اعلام شده از طرف دبیرخانه مرکب از ۵ نفر پیشبینی شده بود این امید ضعیف آسپرین دل خوشی بود که آن سه نفر دیگر بتوانند اصالت شورا را حفظ کنند و در جریان اقدام، هدف سلطنت طلبان در حفظ تداوم مشروعیت سلطنت تامین گردد و بقولی > کاجی به از هیچی<

ولی برخلاف انتظار در فاصله کوتاهی از تاریخ انتشار اطلاعیه مزبور، آقایان علی امینی و شاپور بختیار با انتشار اعلامیه ای، اطلاعیه دبیرخانه را با لحن بسیار زننده و تحقیر آمیزی تکذیب کردند و بویژه نسبت به کلمه > پادشاه< و شهریاری ایران در اطلاعیه واکنش ردیانه ای نشان دادند.

متعاقب تکذیب بختیار روزنامه های او از جمله پیام ایران ب مدیریت انوری حملات سختی را متوجه اعلیحضرت ساخت از جمله اینکه > رضاپهلوی برای کسب و جاهت سیاسی چنین اطلاعیه ای داده است< تشکیلات سیاسی بختیار هم که بنام نهضت مقاومت بختیار و یاملی معروف بود اعلامیه ای داد که بختیار نمیتوانسته چنین موافقتی بنماید چرا که مخالف با موازین نهضت است (زیرا نهضت مقاومت بختیار مخالف سلطنت و خاصه تداوم مشروعیت آن است) ولی عجیب اینکه در همان زمان تصویر اعلیحضرت در کنار بختیار در سطح وسیعی در خارج از کشور منتشر گردید که فاقد علامتی بود که بتوان وابستگی آنرا شناخت.

### واکنش دبیرخانه آقای فروغی

حیرت خواهید کرد مطلع میشوید که واکنش دبیرخانه و شخص آقای فروغی نسبت به تکذیب اطلاعیه از طرف بختیار و امینی صفر بود، و نه تنها صفر بود بلکه آقای فروغی به قرار و وعده ای که برای انتخاب سه عضو دیگر شورای مشورتی و اجرائی گذارده و در اطلاعیه به ملت ایران اعلام کرده بودند، عمل نکردند و بکل بفراموشی رفت.

در همان زمان در سنگرهای مربوطه این موضوع مطرح شد که آیا در بین سه میلیون ایرانی خارج از کشور ۵ نفر آدم صلاحیت دار وجود ندارد که این شورا تشکیل شود؟ و از دبیرخانه و آقای فروغی خواسته شد که نسبت به تشکیل شورای مطرح شده در اطلاعیه اقدام نمایند که متاسفانه کوچکترین اعتنایی نگردید، و این تذکر داده شد که خودداری دبیرخانه از تشکیل شورا و اجد این برداشت خواهد بود که شورا متکی به آن دونفر بوده نه اعلیحضرت که در اطلاعیه کانون توجه بوده اند.

متن اطلاعیه دبیرخانه نشان می‌دهد که اطلاعیه نمی‌تواند خلاف واقع باشد. بنابراین اعلام اطلاعیه اجلاس مزبور با حضور شهریار ایران تشکیل و پس از بررسی و گفتگوهای بنابر پیشنهاد آقایان بختیار و امینی چنین تصمیمی اتخاذ شده است و این قرانن و نشانی‌ها نمی‌تواند در مقابل یک اعلامیه بختیار و امینی در تکذیب آن موثر باشد و تردید نبود که اگر دبیرخانه تکذیب آقایان امینی و بختیار را نادرست و ناموجه میدانست، و در مقابل اعلامیه بختیار و امینی مات و خود باخته نمی‌شد، تکذیب بختیار، اعتبار و قبول عامه را با خود نمیداشت. ولی سکوت دبیرخانه و لچارگی روزنامه‌های وابسته به بختیار این تصویر را ارائه داد که تکذیب بختیار و امینی موجه بوده است، و از همه مهمتر انصراف دبیرخانه از تشکیل شورای که وعده داده شده بود و هرگز عملی نشد و حتی حرف آنهم به میان نیامد، این هشیاری را با خود داشت که قضیه یک کار اداری ساده و بدور از اندیشه و بررسی نبوده است، و آتشی است که دود آن در پایان کار بلند خواهد شد.

در همان تاریخ سنگر نامه ای به آقای فروغی دبیر اول دبیرخانه نوشت که متن آن در سنگر ۳۰۸ درج است و متن نامه گویایی خاصی نسبت به توطئه و برنامه سازی جریان مزبور داشته که نکاتی از آن نامه به اینجا آورده میشود ولی بجاست که لب توطئه و هدف از بازی بسیار زشت و شرم آور آقای فروغی و دبیرخانه پیشاپیش مطرح شود که علاقمندان به اختصار کلام و بی نیاز به دلیل و برهان به آن برسند.

### انگیزه از اطلاع تشکیل شورا

معلومات برای تحصیل مجهول، یعنی انگیزه تدارک برنامه مزبور میتواند بشرح زیر باشد:

اول - جنگ عراق و ایران سخت در جریان بود و درست در همان زمان که برنامه مزبور تدارک شد ۴ سال از جنگ می‌گذشت و عامل انزجار و تنفر از عراق و ایرانیانی که در کنار عراق علیه ایران می‌جنگیدند به اوج ممکن خود رسیده بود و این افراد در مجاهدین خلق بر رهبری مسعود رجوی و گروه سیاسی و نظامی بختیار به رهبری شاپور بختیار خلاصه میشد.

اعتراض بختیار به صدام که چرا خارک را بمباران نمی‌کند و از پس آن اعتراض بود که خارک ۱۲۰ بار بوسیله نیروی هوایی عراق بمباران شد و دیگر کوششهای بختیار برای مسلح ساختن نیروی هوایی عراق بوسیله هواپیماهای پیشرفته فرانسوی و مسائل تابعه آن از جمله وجود رادیوی بختیار در خاک عراق و اعلام بختیار به اینکه مشاور صدام حسین است، بختیار و امینی را بصورت کهنه حیضی که همه از آن دوری میکنند در آورده بود.

اتهام همکاری با دشمن در حال جنگ با شوروی از قوانین بنیادی است که سابقه ای با عمر بشریت دارد آنقدر این اتهام حساس است که به هیچوجه قائل به تمیز بین اشخاص نمیشود و کسانی که فکر میکنند شخصیت افراد مانع چسبندگی اتهام به آنها میشود سخت در اشتباهند (بختیار گفته بود: <کسی از فاتح نمی پرسد و حساب نمیخواهد>)

یک شخصیت سیاسی در مقابل اتهام همکاری با دشمن نسبت به یک شخص عادی مانند کاسه بلورین و کاسه حلبی است کاسه بلورین با اولین ضربه (اتهام) میشکند و خرد میشود ولی ظرف حلبی کج و معوج میگردد و باز کاسه است.

حسنین هیکل مورخ مشهور مصری در کتابش نوشته است:

<حمایت حزب توده از جمهوریهای دست نشانده شوروی در آذربایجان و گیلان هنوز فراموش نشده است. بخاطر این مسنله، حزب توده هرگز سهم مهمی در مورد ایران بعهده نداشته است> (۳۶۶)

مجله مهم اکسپرس در شماره ۵۱ آوریل سال ۱۹۸۱ نوشت:

<شاپور بختیار بعثت آلودگی اش با عراق در آینده ایران نقشی ندارد و از گردونه خارج شده است>

از گردونه خارج شده است همان کهنه حیض است همان است که گفته شده.

گرکه ثروت شخص راقارون کند      گرکه شهرت شخص راهارون کند

چونکه زخم اتهام آید بر او      جامه حرمت ز تن بیرون کند

دوم - اطلاعیه تاریخی اعلیحضرت مینی برآمدگی شرکت در نیروی ایران برای دفاع در مقابل عراق یک وجهه خالص ناسیونالیستی عظیمی ضمیمه و جاهت ناشی از هویت نهادی اعلیحضرت ساخت.

اظهارات اعلیحضرت از آنجمله:

«آخرچگونه میتوان آرام نشست، درحالیکه دشمن داخلی بنیه دفاعی  
کشورراچنان تحلیل برده است که دشمن خارجی هرروزجسورترمیشود»

(شاه در فروردین سال (۲۵۲۴) ۱۳۶۴)

«دستم اگر قطع شود از خارجی برای نجات ایران کمک نخواهم گرفت»

(همان ماخذ)

«.....مانع خواهم شد تا کسائی که بادشمنان ایران همکاری کرده اند به  
ایران وارد شوند»

(سخنرانی در فرانسه خطاب به بختیار)

«استقلال و تمامیت ارضی ایران والاتراز هرگونه تضاد و مسلک سیاسی  
است و حاضریم با نثار خون خود از حرمت این مرزوبوم حراست نمایم»

(به هنگام ولیعهدی)

«در حال حاضر هدف هرایرانی پیروزی بر عراق است امثال خمینی در درجه  
دوم قرار دارند»

(مصاحبه با روزنامه حریت ترکیه)

چشمه های خروشنده و فروزان از احساسات ملی و ناسیونالیستی را انحصارا متوجه اعلیحضرت ساخت که این حقیقت و دستاورد مهم باخواست بیگانگان که تضعیف موقعیت هویتی و سیاسی اعلیحضرت بود منافات آشکار داشت و اطلاعیه دبیرخانه و آنچه بران رفت میتواندست و توانست آن تاج افتخار و سربلندی که اعلیحضرت در آمدگی برای دفاع از ایران بر سر داشتند را زیر سوال ببرد.

اطلاعیه و برنامه شورا دو مطلوب! رادرجهت خواست آمریکانیها در قطع تداوم سلطنت و تزلزل اعتبار میهن پرستی اعلیحضرت در مدار اجرا قرار داد.

- ۱- از آنجا که در اطلاعیه دبیرخانه رضاپهلوی بانام و مشخصات حقوقی پادشاه خطاب یافته بود، تکذیب بختیار و امینی نوعی تائید مستقیم در رد تداوم سلطنت و پادشاهی رضاشاه دوم از سوی رهبرانی است که سابقه نخست وزیری رژیم شاهنشاه ایران راداشته اند، البته مخالفت باتداوم سلطنت اعلیحضرت از سوی حضرات بیسابقه نبود ولی بصورت اعلامیه در مقابل اطلاعیه دبیرخانه که به اطلاع عموم میرسد و تاحدودی جنبه رسمی داشت بسیار با تفاوت است و چه بسا که برای مخالفین سلطنت نوعی توی دهان دبیرخانه زدن تلقی گردید.
- ۲- همکاری و قبول مشاورت بختیار و امینی، بنابراین اصل «سنخیت» اعلیحضرت را در اتهامات دشمن یاری در جنگ عراق و ایران که متوجه بختیار و امینی است شریک خواهد ساخت «آدم نیکوکار نمیتواند از کارهای بدکاران در امان باشد مگر اینکه از آنها دوری کند»

در تداخل آزادی یک عمل اصولی با عمل غیر اصولی، آثار و متعلقات عمل غیر اصولی بر آثار عمل اصولی فائق می‌آید و عبارت کلی، آنرا تحت الشعاع و پوشش خود قرار می‌دهد و قدرت و شعاع عمل غیر اصولی آنقدر شدید و تند است که مجال فکر کردن را نیز به مردم نمیدهد.

در تطبیق مورد، تداخل و همکاری عمل اصولی (میهن پرستی) اعلیحضرت با عمل غیر اصولی (دشمن یاری بختیار و امینی) سبب میشود که میهن پرستی و عمل اصولی اعلیحضرت تحت الشعاع بیگانه پرستی و دشمن یاری به دشمن در حال جنگ با ایران گردد.

اگر پر شود برکه ای از گلاب چو افتد سگی میشود منجلاب

اطلاعیه دبیرخانه در محور این توطئه گردش داشت که اعلیحضرت در موقعیتی شناخته شوند که بختیار در رابطه با همکاری با عراق و تشویق عراق به حمله به ایران شناخته میشود.

به همین دلیل و به اعتبار همان اطلاعیه است که خبرنگار روزنامه حریت خطاب به اعلیحضرت میگوید:

«برخی روزنامه‌های خارجی نوشته‌اند که شما از نظر تسلیحاتی به عراق کمک میکنید»

از آنجاکه بختیار در مصاحبه‌های مکرر از فرانسه خواسته است که عراق را با موشک‌ها و هواپیماهای پیشرفته تقویت کند قضاوت سطحی متوجه مشارکت اعلیحضرت هم در کمک تسلیحاتی میشود.

یعنی عمل دعوت به مشارکت از کسانیکه متهم به کار غیر اصولی و خیانت به وطن و کمک به دشمن متجاوز به کشوراند سبب میشود که کار اصولی اعلیحضرت چنان تحت الشعاع خیانت به کشور و تجهیز عراق به تسلیحات نظامی قرار گیرد که حتی مجال فکر کردن به خبرنگار روزنامه‌های خارجی را هم نداده است.

به همین دلیل و به اعتبار همان اطلاعیه است که روزنامه کیهان تهران نوشت:

«مثلاً بختیار - صدام - رضا پهلوی میخواهند ایران را نجات بدهند - سلطنت طلبان از پول عراق استفاده میکنند»

### کیهان هوایی شماره ۶۵۷ نوشت

«سلطنت طلبان و مجاهدین خلق در مقابل مشتی امکانات که عراق در اختیارشان میگذارد تانیدیه حمله عراق را به ایران و منابع نفت خیز صادر کرده‌اند و این چیزی جز جبهه مشارکت عراق و اپوزیسیون ضد انقلاب نیست»



کیهان لندن از قول «ژان ماری دایه» رئیس هیئت پارلمانی فرانسه نوشت: «دولت فرانسه چند هواپیمای جنگی به عراق به عاریه داده، بعقیده من این عمل یک اعلان جنگ فرانسه به ایران است»

مقصود از «ژان ماری دایه» از چند هواپیمای جنگی همان هواپیماهای سوپراتاندارد (Super Étendard) است که بختیار رئیس جمهور وقت فرانسه را به مناسبت تأخیر در تحویل آنها به عراق در مقام اعتراض قرارداد بنا بر این استدلال «ژان ماری دایه» به آنجا ختم میشود که بختیار عملاً در کنار ارتش عراق علیه ایران قرار داشته است.

## تأثیر اطلاعیه دبیر خانه در شخص اعلیحضرت

علاوه بر تأثیری که اطلاعیه مزبور روی آمد های آن به موقعیت اعتباری و میهن پرستی اعلیحضرت خدشه مسلمی وارد ساخت که شرح آن رفت، قبح توسل به بیگانه که با حساسیت فوق العاده ای در اعلیحضرت وجود داشت بتزلزل کشیده شد بطوریکه از بعد جریان اطلاعیه و مشاورت و همکاری بابختیار عامل عراق، استمداد و توسل اعلیحضرت به جامعه جهانی و کشورهای خاصی برای نجات ایران و اینکه نجات ایران بدون کمک جامعه جهانی ممکن نیست اساس و منشاء حرکت سیاسی و مبارزاتی ایشان شد.

این توضیح بجاست که گرایش به کارهای اصولی و یا غیر اصولی شروعش دشوار و احتیاط پذیر است ولی وقتی شروع شد خود به خود جلو می‌رود.

روانشناسان معتقدند که انسان هابخودی خود ندرتا ممکن است به انحراف کشیده شوند، شرم حالتی است در انسان ها که مانع گرایش به کارهای خلاف می‌شود انسان ها تحت تأثیر انسان های بد، اول شرمشان از بین می‌رود و سپس به آن کارخلاف زشت رغبت می‌یابند و به همین مناسبت است که قانون مقرر کرده که افراد فاسد و خلافکار از جامعه و معاشرت عمومی دور باشند.

وقتی بختیار مخالف سرسخت سلطنت و شاه و مشاور صدام حسین در حال جنگ با ایران در مقام مشاورت شاه قرار داده می‌شود معلوم است که تاقیح همکاری بادشمن در حال جنگ و تجاوز به ایران در اعلیحضرت زانل و یافروش نکرده باشد چنین اطلاعیه ای صادر شدنی نیست.

در اطلاعیه آمده است که «پس از مذاکره و گفتگو با آقایان بختیار و امینی قرار شد.....»

آیا ممکن است که موقعیت بختیار بمناسبت جنگ عراق و همکاری نزدیک و تنگناگ با صدام در آن مذاکرات مطرح نشده باشد؟ البته که ممکن است و این در حالی است که دبیرخانه و اعلیحضرت همانند بختیار قبحی برای همکاری بادشمن در حال جنگ با کشور قائل نبوده باشند.

تحول فکری اعلیحضرت مبنی بر اینکه قبحی برای عمل بختیار قائل نباشند امری نیست که خود بخود در اعلیحضرت و یا هر شخص دیگری بوجود آید بلکه تلقین و ایجاد باورهای نادرست و شستشوی مغزی انسان از احساسات میهن پرستی است که میتواند این دگرگونی را ایجاد کند و چه آسان بوده است برای شخصی مانند آقای محمود فروغی با آن سن و سال و تجربه و وابستگی به فراماسیون آنهم در مقام دبیر اولی دبیرخانه این تحول فکری غیر اصولی را برای پادشاه جوان فراهم سازد.

## نامه به آقای فروغی

نامه به آقای فروغی که تحت عنوان جناب آقای فروغی در ۴ صفحه سنگربتاریخ ۱۵ آبانماه سال ۱۳۶۵ (۲۵۲۵) در سنگر شماره ۳۰۸ درج است اکنون فشرده ای از آن برای ارتباط با تحقیق حاضر تقدیم می‌گردد.

«جناب آقای فروغی

اجازه فرمائید قدری مخاطب قرار گیرید آیا شما اعمال و اظهارات آن خانن وطن فروش را خیانت نمیدانید؟ آیا پدر شما هم از روس و انگلیس خواست که ایران را بمباران کنند؟ آیا کمونیستها هم با همه مخالفتی که بانظام حکومتی و شاهنشاه ایران داشتند از روسیه خواستند که به ایران قشون کشی کند؟ شما با آن سابقه خدمتی و سیاسی، چه کسی را در دنیا سراغ دارید که به چنین جنایت و خیانتی بی سابقه علیه و وطنش مبادرت کرده باشد و بابی اعتنائی و نفرین و نفر عمومی رو برو نشود مارشال پتن راکه به یاد دارید، لاوال راکه بیاد دارید.

آیا باور کردنی است که شما درک نمی‌فرمائید که چنین آدمی نمیتواند و نباید عنوان مشاورت پادشاه را داشته باشد و اگر داشته باشد، سلطنت به ننگ و اتهام دشمن یاری متهم میشود که به آن اطلاعیه مفتضح مبادرت فرموده آید،

اعلامیه ای که بختیار در پاسخ به آن حقیقتاً دبیرخانه سلطنت راسنگ روی یخ ساخت و ضربه فوق العاده ای به حیثیت و اعتبار شهریار ایران و خودشما وارد نمود.

چه کسی مسئول این نابسامانی و بی اعتبار ساختن سلطنت و شهریار ایران است بغیر از شخص حضرتعالی؟؟

شما شخصیت سیاسی و دانش آموخته ای هستید باورکردنی نیست که ندانید شخصی که شاه رابه شاهی قبول ندارد نمیتواند مشاور سلطنت و پادشاه باشد.....

چرا در مقابل واکنشی که بختیار نشان داد و در واقع شهریار ایران و دبیرخانه و خودشمارابه دروغزنی و صحنه سازی متهم ساخت سکوت کردید و اگر مطالب اطلاعاتیه صحت نداشت چرا قضیه نا استواری را اعلامیه کردید و دبیرخانه رابالین رسوائی فراموش نشدنی سنگ روی یخ کردید.....

جنابعالی از بین دولتیون ایرانی خارج از کشور کسی را واجد صلاحیت نیافتید که این جنایتکار جنگی و آن پیرمرد ریاکار تحت الحمایه آمریکا رابعضویت شورای مشورتی و اجرائی پادشاه درآوردید؟

هرچه می اندیشم وبه جواب قضیه فکرمیکنم بیشتر به این مسئله موحش میرسم که حاصل وهدف از عمل شما چیزی جز متهم کردن شاه به همکاری با عراق در حال جنگ با ایران و داشتن سنخیت فکری با عمل عراق و آمریکا نبوده است، و جنابعالی مبارزه پاک و میهن پرستانه پادشاه و سلطنت طلبان را دقیقاً به اتهام همکاری و معاضدت دشمن در حال تجاوز به ایران آلوده ساخته اید و باترتیب دادن ملاقات ها و احتمالاً انتشار تصویر آن خانن وطن فروش در کنار تمثال اعلیحضرت آنچه از نظراسولی و اخلاقی و ناسیونالیسم ایرانی نشدنی است انجام دادید. ( قسمتی از نامه مندرج در صفحات ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ سنگر ۳۰۸ )

پایان قسمت اول - به امید ادامه آن